

آموزش نهج‌البلاغه در دانشگاه‌ها و ارائه راهکاری مناسب برای تدریس آن در مقطع کارشناسی (بررسی موردی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی)

کبری روشنفکر*

سجاد اسماعیلی**، فرناز طاهری***

چکیده

آموزش نهج‌البلاغه به عنوان یکی از شاخه‌های مهم متون اسلامی در قالب واحدهای درسی اصلی و اختیاری، بیش از سه دهه در دانشگاه‌های ایران مورد توجه قرار گرفته است. یکی از شیوه‌های مطرح و تقریباً سنتی آموزش این متن عظیم، بیان آموزه‌های دینی، معرفتی، اعتقادی و تربیتی نهج‌البلاغه است. این در حالی است که نهج‌البلاغه در تقسیم‌بندی متون، یکی از شاخه‌های مهم متون ادبی شناخته می‌شود؛ لذا، توجه به جنبه‌های ادبی آن امری ضروری در آموزش است، زیرا استادان می‌توانند با استفاده از روش‌های کارآمد و نوین تدریس، مهارت‌هایی همچون صحیح‌خوانی، درک و فهم معنایی، ذوق ادبی و تشخیص ویژگی‌های سبکی حضرت علی (ع) را در دانشجویان افزایش دهند.

امروزه، نظریه‌پردازان و متخصصان آموزش متون ادبی، راهبردهای کارآمدتری را برای آموزش نهج‌البلاغه ارائه داده‌اند که نه تنها به آموزش آموزه‌های محتوایی آن اهمیت می‌دهد، بلکه ادبیات این متن عظیم ادبی را نیز پوشش می‌دهد. از این رو، جستار حاضر درصدد معرفی این راهبردها و میزان اجرای آن‌ها در دانشگاه‌های تهران است.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) kroshan@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس s.esmaili20@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روان‌سنجی، دانشگاه علامه طباطبایی armia_star@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۴

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و ابزار اصلی آن را پرسشنامه محقق ساخته است. برخی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش نشان‌داد که نهج البلاغه در دانشگاه‌های تهران به عنوان یک متن ادبی تدریس نمی‌شود و بیشتر به مسائل محتوایی آن توجه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، آموزش زبان عربی، متن ادبی، دروس دانشگاهی.

۱. مقدمه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، گرایش به آموزش ادبیات اسلامی در کانون توجه مؤسسات و دانشگاه‌ها قرار گرفته است. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در طرحی کلان و سراسری، این شاخه از ادبیات را در واحدهای درسی رشته‌هایی همچون علوم قرآن و حدیث، زبان و ادبیات عرب و برخی از رشته‌های دیگر علوم انسانی قرار دادند تا از این طریق، گامی مهم در جهت تحقق برخی از آموزه‌های موجود در این متون برداشته باشند.

نهج البلاغه، به عنوان میراث فکری و یک متن ادبی، گرانبهاترین، مهم‌ترین و ارزشمندترین کتاب اسلامی است که تمامی سرچشمه‌های بلاغی و فنون گوناگون ادبی را در خود دارد. این کتاب اقیانوس بی‌کرانی است که جنبه‌های مربوط به فصاحت، بلاغت، مواعظ تکان‌دهنده، منشورهای مختلف حکومتی، دستورالعمل‌های اخلاقی، آشناسازی با راه‌های معرفت نفس و خداشناسی آن باعث ماندگاری این اثر گرانبها شده است. از این رو، آموزش صحیح این کتاب در دانشگاه‌ها بسیار ضروری می‌نماید؛ آموزشی که علاوه بر دریافت آموزه‌های محتوایی آن، به ادبیت متن نهج البلاغه بها دهد.

اما، مسئله اصلی پژوهش از اینجا شکل می‌گیرد که واقعیت فعلی تدریس نهج البلاغه در مقطع کارشناسی بدین ترتیب است که: یا در قالب دروس عمومی، درس «تفسیر موضوعی نهج البلاغه» و یا در رشته‌هایی همچون «علوم قرآن و حدیث» و «زبان و ادبیات عربی» تدریس می‌شود که در این رشته‌ها نیز به آموزش صحیح آن چندان توجه نمی‌شود و غالباً به بیان آموزه‌های محتوایی آن بسنده می‌شود.

از این رو، ما در این جستار بر آن شدیم تا از یک سو در ادبیات نظری پژوهش به نگرشی کوتاه در مورد واقعیت فعلی آموزش نهج البلاغه در دانشگاه‌ها بپردازیم؛ سپس، مهم‌ترین و مناسب‌ترین راهبردهای تدریس نهج البلاغه را به عنوان یک متن ادبی ذکر کنیم؛ در نهایت، به میزان اجرای این راهبردها در دانشگاه‌های تهران، به عنوان نمونه، بپردازیم و از میان نظرهای استادان و دانشجویان، میزان توجه به نهج البلاغه را به عنوان یک متن ادبی نیز درک کنیم.

پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. استادان رشته زبان و ادبیات عرب تا چه میزان به اجرای دقیق راهبردهای مناسب تدریس *نهج البلاغه* باور دارند؟
 ۲. استادان رشته علوم قرآن و حدیث تا چه میزان به اجرای دقیق راهبردهای مناسب تدریس *نهج البلاغه* باور دارند؟
 ۳. استادان درس عمومی «تفسیر موضوعی *نهج البلاغه*» تا چه میزان به اجرای دقیق راهبردهای مناسب تدریس *نهج البلاغه* باور دارند؟
 ۴. دانشجویان سه رشته، تا چه میزان به اجرای دقیق راهبردهای مناسب تدریس *نهج البلاغه* توسط استادان خویش باور دارند؟
- فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. استادان رشته زبان و ادبیات عرب بر آن‌اند که در تدریس خویش، به راهکارهای مربوط به دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای، صحیح‌خوانی متن *نهج البلاغه*، شرح تفصیلی، بیان مسائل زیبایی‌شناسانه و تشخیص ویژگی‌های سبکی *نهج البلاغه* توجه دارند.
۲. استادان رشته علوم قرآن و حدیث بر این نظرند که در تدریس خویش به راهبردهای مربوط به دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای، صحیح‌خوانی، شرح تفصیلی، بیان مسائل زیبایی‌شناسانه و بیان ویژگی‌های سبکی *نهج البلاغه* کمتر توجه دارند.
۳. استادان درس تفسیر موضوعی *نهج البلاغه* بر آن‌اند که در تدریس خویش، به راهبردهای مربوط به دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و صحیح‌خوانی متن *نهج البلاغه* توجه بیشتری دارند، ولی به راهبردهای مربوط به شرح تفصیلی، درک مسائل زیبایی‌شناسانه و تشخیص ویژگی‌های سبکی آن توجه کمتری دارند.
۴. دانشجویان سه رشته بر آن‌اند که استادان آن‌ها در تدریس این درس، به راهبردهای مربوط به دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای، صحیح‌خوانی متن *نهج البلاغه*، دریافت مسائل زیبایی‌شناسانه و بیان ویژگی‌های سبکی آن توجه چندانی ندارند.

۱،۱ روش، جامعه آماری و ابزار پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. در روش تحقیق پیمایشی، محقق از طریق پرسشنامه یا مصاحبه به مشاهده آنچه هست می‌پردازد و از افراد گروه‌های معین می‌خواهد به چند پرسش مشخص پاسخ دهند که این پاسخ‌ها مجموعه اطلاعات تحقیق را

تشکیل می‌دهند (عبد‌الأمیر، ۲۰۰۷: ۴۸). جامعه آماری پژوهش، شامل دانشجویان و استادان رشته زبان و ادبیات عربی در دو دانشگاه علامه طباطبایی و تهران بود. از میان این جامعه آماری، یک نمونه ۷۰ نفری از دانشجویان و یک نمونه ۱۲ نفری از استادان، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - تصادفی و با توجه به روش مورگان^۱ انتخاب شدند. جدول زیر تعداد و کیفیت نمونه‌گیری از استادان دو دانشگاه را نشان می‌دهد:

جدول ۱. توزیع فراوانی نمونه پژوهش

| دانشگاه | تهران | | علامه طباطبایی | |
|-----------|--------------------|------------------|--------------------|------------------|
| | زبان و ادبیات عربی | علوم قرآن و حدیث | زبان و ادبیات عربی | علوم قرآن و حدیث |
| استادان | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ |
| دانشجویان | ۱۰ | ۱۵ | ۱۰ | ۱۵ |

از آنجا که نمونه مشابه برای پرسشنامه این تحقیق وجود نداشت، نگارندگان با مطالعه نظریات نظریه‌پردازان حوزه آموزش زبان‌های خارجی و گروه علوم تربیتی گرایش برنامه‌ریزی درسی، پرسشنامه این پژوهش را تهیه کردند. پرسشنامه برای دو گروه دانشجویان و استادان تدارک دیده شده است. هر دو پرسشنامه، مشابه و دارای چهار متغیر هستند که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. استفاده استادان از راهبردهای مناسب برای روخوانی صحیح متن نهج البلاغه؛

۲. استفاده استادان از راهبردهای مناسب برای شرح تفصیلی متن نهج البلاغه؛

۳. استفاده استادان از راهبردهای مناسب برای تحلیل زیبایی‌شناسی متن نهج البلاغه؛

۴. استفاده استادان از راهبردهای مناسب برای تحلیل سبکی متن نهج البلاغه.

در پرسشنامه، از طیف لیکرت استفاده شده است؛ به طوری که عدد ۱ نشان‌دهنده ارزش خیلی کم و عدد ۵ نشان‌دهنده ارزش بالا بوده است. البته، در توصیف داده‌ها برای سهولت امر از سه سطح استفاده شد: بدین صورت که سطح خیلی کم و کم با عدد ۱، سطح متوسط با عدد ۲ و سطح زیاد و خیلی زیاد با عدد ۳ نشان داده شد.

۲،۱ پیشینه پژوهش

در زمینه نهج البلاغه و دریافت آموزه‌های آن، پژوهش‌های فراوانی نگاشته شده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- صمدانیان و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله «علل ناهنجاری و روش کنترل آن از دیدگاه نهج البلاغه»، با مطالعه موردی برخی از سخنان امام علی (ع) در مورد موضوعات و مسائل اجتماعی، عملکرد آن حضرت را در مواجهه با این مسائل و اجرای احکام و حدود الهی و هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند.

- پیروزفر و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله «مهارت‌های ارتباطی در نهج البلاغه»، به تجزیه و تحلیل مهارت‌های ارتباطی از جمله سخن‌گفتن، گوش‌کردن، نفوذ، تقویت، مهرورزی، مشاهده، پرسش، افشای خود و ارائه اطلاعات از دیدگاه امام علی (ع) پرداختند.

همچنین، پژوهش‌هایی در زمینه نقد، بررسی و آموزش متون ادبی عربی و قرآن کریم نیز نگاشته شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- متقی‌زاده و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی و نقد میزان اجرای راهبردهای تدریس متون شعری در دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی»، به معرفی راهبردهای تدریس متون شعری و میزان اجرای آن‌ها در دانشگاه‌ها پرداختند. نگارندگان در این پژوهش به اهمیت اجرای راهبردهای بیان مسائل زیبایی‌شناسانه و دریافت مسائل سبکی اشعار تأکید داشتند (متقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۹۱).

- احمدزاده (بی‌تا) در مقاله «نقد و بررسی برنامه و متون آموزشی تفسیر در دانشگاه‌ها»، نخست به صورت کلی به کاستی‌ها و ضعف‌های گرایش علوم قرآن و حدیث اشاره کرده، سپس به صورت خاص، کاستی‌ها و ضعف‌های درس تفسیر را مورد بازبینی قرار داده است (احمدزاده، بی‌تا: ۳۵۴-۳۷۵).

اما، در این میان پژوهشی که به طور کلی به آموزش نهج البلاغه و به طور خاص به آموزش راهبردهای تدریس نهج البلاغه و نقد و بررسی واقعیت فعلی آموزش فعلی آن در دانشگاه‌ها پرداخته باشد، دیده نشد.

۲. مفاهیم نظری پژوهش

۱,۲ نگرشی به واقعیت فعلی آموزش نهج البلاغه در دانشگاه‌ها

واقعیت فعلی آموزش نهج البلاغه در دانشگاه‌های ایران را می‌توان در سه محور زیر مورد نقد و بررسی قرار داد:

۲,۲ تدریس نهج البلاغه در رشته زبان و ادبیات عرب

این درس برای رشته زبان و ادبیات عرب تنها در دو واحد آن هم نه جداگانه، بلکه با عنوان «متون حدیث و نهج البلاغه» در نظر گرفته شده است. این در حالی است که نهج البلاغه در زبان عربی به عنوان یک متن ادبی مهم تلقی می‌شود؛ متنی که تمام عناصر تشکیل دهنده یک متن ادبی یعنی عاطفه، خیال، موسیقی و ... را در خود جای داده است. چه بسا، حتی دو واحدی هم که برای این درس در نظر گرفته شده، به گونه‌ای تدریس می‌شود که دانشجو فقط برخی از مسائل ابتدایی مربوط به پیدایش نهج البلاغه و برخی از مفاهیم و آموزه‌های آن را درمی‌یابد. بنابراین، انتظار این است که جنبه ادبی نهج البلاغه در این رشته مورد توجه بیشتری قرار گیرد، زیرا فراگیران این رشته (زبان و ادبیات عربی) در زمینه‌های سبک‌شناسی متون ادبی و ویژگی‌های متون ادبی دروس مختلفی را می‌گذرانند (سرفصل رشته زبان و ادبیات عرب، ۱۳۸۹: ۹-۱۲).

۳,۲ تدریس نهج البلاغه در رشته علوم قرآن و حدیث

با توجه به سرفصل‌های متعدد این رشته، نهج البلاغه در این رشته تحت عنوان درس «نهج البلاغه ۱ و ۲» در چهار واحد در نظر گرفته شده است. اهدافی که برای این دو درس ذکر شده است، عبارت‌اند از: افزایش درک و فهم دانشجو از آموزه‌های دینی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی نهج البلاغه. در نگاه آسیب‌شناسانه به این سرفصل، دو نکته مهم به چشم می‌خورد: نخست، اغفال اهداف ادبی متن نهج البلاغه و دوم، محدودیت واحدهای در نظر گرفته شده برای این درس.

۴,۲ تدریس نهج البلاغه در قالب دروس عمومی

آنچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون در دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گرفته، در نظر گرفتن دروس عمومی برای دانشجویان در تمامی رشته‌ها در مقطع کارشناسی است. از مهم‌ترین این دروس، دروس معارف اسلامی است که تحت عنوان دروس اختیاری در نظر گرفته شده‌اند. دو درس «تفسیر موضوعی قرآن کریم» و «تفسیر موضوعی نهج البلاغه» نیز از این دروس است که دانشجو ملزم به گذراندن حداقل یک درس (دو واحد) از این دو درس است.

درسی که دانشجویان در این دوره می‌گذرانند، همان‌طور که از اسم درس مشخص است، فقط شامل دریافت اندیشه‌ها و آموزه‌های علوی *نهج‌البلاغه* است؛ بدین ترتیب که استادان این درس معمولاً مقدمه‌ای کوتاه در مورد چگونگی پیدایش *نهج‌البلاغه* و جمع‌آوری آن ارائه می‌دهند و سپس به بیان اهداف تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و ... می‌پردازند.

۵,۲ اهداف تدریس *نهج‌البلاغه* به عنوان یک متن ادبی

متخصصان آموزش زبان عربی برای *نهج‌البلاغه* به عنوان یکی از شاخه‌های نثر ادبی، اهدافی را برشمرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. افزایش توانایی صحیح‌خوانی متن عربی به طور کلی و متن *نهج‌البلاغه* به طور خاص در دانشجویان؛ ۲. آشنایی دانشجویان با فن بیان امام علی (ع) و انگیزش شجاعت فن سخنرانی در آن‌ها بر اساس خطابه امام (ع)؛ ۳. آشنایی دانشجویان با جملات زیبا و تأثیرگذار موجود در متن *نهج‌البلاغه*؛ ۴. آشنایی با ویژگی‌های سبکی متن *نهج‌البلاغه*؛ ۵. افزایش ذوق ادبی دانشجویان؛ ۶. تقویت گرایش دینی و مذهبی در دانشجویان؛ ۷. به‌کارگیری آموزه‌های اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی *نهج‌البلاغه* در زندگی فردی و اجتماعی (فلاح، ۱۹۹۶: ۸۹؛ ضبع، ۲۰۰۶: ۳۳۷-۳۳۸).

۶,۲ راهکارهای تدریس *نهج‌البلاغه* به عنوان یک متن ادبی

اگر قرار باشد *نهج‌البلاغه* به عنوان یک متن ادبی و در رشته‌ای مجزاً تدریس شود، متخصصان آموزش زبان عربی و نظریه‌پردازان غربی راهبردهایی را برای آموزش این متن ادبی مطرح کرده‌اند که قطعاً به‌کارگیری این راهبردها می‌تواند نقش بسزایی در تحقق اهداف متعالی و ادبی آموزش *نهج‌البلاغه* داشته باشد. مهم‌ترین این راهبردها عبارت‌اند از:

۱,۶,۲ دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

دادن اطلاعات پیش‌زمینه نخستین و مهم‌ترین مراحل آموزش در هر زبانی محسوب می‌شود. این مرحله درجه فهم متن را نزد خواننده افزایش می‌دهد. هاریس (Harris) و اسمیت (Smith) در الگویی که برای خواندن و فهم متن ارائه کرده‌اند، نخستین مرحله را داشتن اطلاعات پیش‌زمینه در مورد متن دانسته‌اند (Harris and Smith, 1992: 76). جوینی (۲۰۰۵) نیز بر آن است که هر قدر شناخت ما از موضوعی که قصد خواندن آن را داریم

بیشتر باشد، فهم ما از متن عمیق‌تر خواهد بود؛ یعنی، هرچه معلومات پیشین خواننده بیشتر باشد، توقف او در اجزای متن کمتر است، زیرا دانش او در فهم متن کمکش می‌کند (جوینی، ۲۰۰۵: ۷۷). بنابراین، شایسته است که اساتید برای آماده‌ساختن دانشجویان جهت فهم متن نهج البلاغه، نزدیک‌کردن مفاهیم آن و ایجاد انگیزه برای شنیدن متن آن، از شیوه‌هایی مثل پرسش و پاسخ پیرامون امام علی (ع) و بیان مناسبت خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های آن حضرت استفاده کنند.

۲،۶،۲ صحیح‌خوانی نهج البلاغه

خواندن فرآیند روانی زبانی است که باعث خلق معنای جدید از متن در ذهن خواننده می‌شود (Goodman, 1994: 47). برخی خواندن را فرآیندی برای بازگشایی رموز متن و ترقی فکر، قوه خیال، قدرت تحلیل، تفسیر و نقد در خواننده می‌دانند (عمار، ۲۰۰۲: ۵۶). بنابراین، خواندن فرآیندی است که ارتباطی عمیق با تفکر دارد؛ خواننده در هنگام خواندن، تمامی عملیات ذهنی مرتبط با تفکر را به‌کار می‌گیرد و در نهایت به مرحله تحلیل، ترکیب، ارزیابی، استدلال، نقد، مقایسه، نتیجه‌گیری و تعمیم می‌رسد. در تدریس متون ادبی به طور کلی و نهج البلاغه به طور خاص، دو نوع خواندن پیشنهاد شده است که استاد و دانشجو باید به ترتیب از این دو نوع خواندن استفاده کنند: یکی خواندن با صدای بلند و دیگر آهسته‌خوانی.

۱،۲،۶،۲ بلندخوانی

متخصصان آموزش زبان، یکی از مراحل را که در تدریس متون ادبی لازمه درک، فهم و تحلیل است، مرحله بلندخوانی (القراءة الجهریة) می‌نامند. گالنت روث (Gallant, 1978) و رکابی (۱۹۸۶) بر آن‌اند که خواننده باید متن را با تشخیص مخارج حروف و آهنگ کلمات و رعایت نشانه‌های وقف و ترقیم بخواند. این مهارت‌ها از نظر وی، با بلندخوانی برای خواننده فراهم می‌آید (Gallant, 1978: 130-132؛ رکابی، ۱۹۸۶: ۱۷۹). بلندخوانی همچنین مهارت سخنرانی در مقابل جمع، اعتمادبه‌نفس در بیان نظرها و مناقشه آرای دیگران را در خوانندگان تقویت می‌کند (قدری لطفی، ۱۹۷۰: ۳۰۷).

در این مرحله، استاد درس نهج البلاغه بهتر است که خود یک‌بار متن را با صدای بلند و با رعایت نکات صرفی و نحوی بخواند؛ سپس، از یکی از دانشجویان بخواهد که متن را با صدای بلند بخواند (عاشور و حوامده، ۲۰۰۹: ۷۹) تا از این طریق بتواند غلط‌های نطقی

دانشجویان را در ادای حروف و کلمات، کشف و به تصحیح آن‌ها پردازد (أحمد السید، ۱۹۸۰: ۶۹). برخی بر این نظرند که استاد باید خطاهای احتمالی را در خواندن دانشجو در همان لحظه خواندن به او گوشزد کند تا خطاها در ذهن دانشجو تثبیت نشود (عاشور و حوامده، ۲۰۰۹: ۳۴۸)، ولی برخی بر این باورند که استاد نباید خطاهای دانشجو را مستقیماً و بعد از هر تلفظ اشتباه آنان اصلاح کند، بلکه باید این فرصت به دانشجو داده شود تا خواندن یک بخش از متن را تمام کند، سپس در مورد خطاهای او از دیگر دانشجویان سؤال کند تا آنان را نیز به مشارکت وادارد (أحمد السید، ۱۹۸۰: ۶۹). به نظر می‌رسد که نظر دوم مناسب‌تر باشد، چراکه اگر استاد دانشجو را در حین خواندن متوجه اشتباهش کند، شاید دانشجو نسبت به خواندن ادامه متن بی‌انگیزه شود.

۲،۲،۶،۲ آهسته‌خوانی

آهسته‌خوانی (القراءة الصامتة) که به آن چشم‌خوانی (القراءة البصریة) هم گفته می‌شود، نوعی از خواندن است که در آن فهم معانی از طریق خوانش چشم صورت می‌گیرد. در این مرحله، بیشترین توجه به فهم و درک متن است و نه تلفظ صحیح کلمات و عبارات (عاشور و حوامده، ۲۰۰۹: ۷۵).

آهسته‌خوانی نهج‌البلاغه اهمیت بسیاری دارد، زیرا خواننده برای فهم ساختار پیچیده خطبه‌های حضرت امیر و درک عمیق‌تر از معانی و افکار پنهان آن، به خوانش آهسته و تأملی نیاز دارد. بدین ترتیب، سرعت او در خواندن افزایش می‌یابد و به فهم و درک عمیق‌تر و جزئی‌تری از متن دست می‌یابد (همان: ۷۶). اما، در روش‌های سنتی تدریس نهج‌البلاغه، استادان کمتر فرصت آهسته‌خوانی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند و از این رو، بسیاری از دانشجویان در مراحل بعدی شرح و تحلیل متن با استرس و دشواری بیشتری مواجه هستند. به همین جهت، بهتر است استادان فرصت کوتاهی در اختیار دانشجویان قرار دهند تا آنان با آرامش و دقت به آهسته‌خوانی متن نهج‌البلاغه پردازند و برای مرحله بلندخوانی آماده شوند (رکابی، ۱۹۸۶: ۸۶).

۳،۶،۲ شرح تفصیلی متن نهج‌البلاغه

یکی از روش‌های مرسوم و سنتی تدریس متن ادبی، این است که استادان اغلب مستقیماً ترجمه متن را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند که این امر مانع مشارکت دانشجو در مراحل فهم عمیق متن ادبی می‌شود و آنان را از درک افکار اصلی و فرعی متن بازمی‌دارد.

امروزه، نظریه‌پردازان آموزش متون ادبی بر آن‌اند که مدرس بهتر است به جای ترجمه مستقیم، با طرح پرسش و پاسخ دانشجویان را در فهم متن ادبی یاری دهد. پیتر دولیتل (Doolittle, 2006) بر آن است که پرسش و پاسخ از متن، خواننده را در کشف افکار اصلی و فرعی متن یاری می‌دهد و از این طریق درک او را از مفاهیم عمیق آن بالا می‌برد (Doolittle and others: 2006: 106-118). رکابی (۱۹۸۶) نیز معتقد است که استاد برای شرح معنایی متن ادبی مورد نظر بهتر است دانشجویان را با سؤالاتی کلی در مورد فکر یا افکار اصلی متن، مواجه کند تا میزان درک کلی آنان را از متن دریابد (رکابی، ۱۹۸۶: ۱۷۹). در این روش، استاد می‌تواند از هر دانشجو بسته به توانایی او، یک مقطع یا بیشتر از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام (ع) را سؤال کند تا بدین صورت بتواند همه دانشجویان را در امر تدریس مشارکت دهد (علیان، ۱۹۹۵: ۸۲).

برای تحلیل معنایی متن نهج البلاغه، توجه به نکات صرفی و نحوی در حد نیاز نیز ضروری است. چارلز فیلمور (Charles Fillmore, 1968) در نظریه خود که به نظریه «الحالة النحویة: Case Grammar Theory» مشهور است، بر ضرورت توجه به عناصر دستوری تشکیل‌دهنده متن تأکید کرده است. وی بر این نظر است که تحلیل دستوری جملات در متن نباید به خودی خود هدف محسوب شود، بلکه این تحلیل‌ها باید در راستای فهم و درک افکار و مفاهیم کلی متن به کار گرفته شود (عبدالباری، ۲۰۱۰: ۳۹-۴۰).

۴،۶،۲ بیان مسائلی زیبایی‌شناسانه موجود در متن نهج البلاغه و افزایش ذوق ادبی

معنای متن ادبی به‌تنهایی نمی‌تواند اثرگذاری آن متن را در دانشجو نشان دهد. ذکر برخی از ویژگی‌های بلاغی و زیبایی‌شناسی موجود در متن می‌تواند در ایجاد انگیزه و تأثیرگذاری در دانشجو بسیار مؤثر واقع شود.

بلوم (Bloom) بر این نظر است که در تحلیل متون ادبی باید میان تصاویر حقیقی و تصاویر خیالی تمییز داده شود. وی همچنین بر ضرورت توجه به تحلیل و بیان نکات زیبایی‌شناسانه در تعابیر ادبی تأکید می‌کند (همان: ۴۷). رکابی (۱۹۸۶) نیز بر آن است که استاد باید پس از ترجمه و شرح متن ادبی مورد نظر، توجه دانشجویان را به زیبایی‌های آن متن نیز جلب کند؛ بدین صورت که او باید راز استفاده امام (ع) را از فلان واژه و یا جمله، وجوه بلاغی لفظی و معنایی به‌کاررفته در متن وی مثل: تکرار، اسلوب قصر، حذف، تقدیم، تأخیر، جناس، و طباق و ... همراه با ذکر اثر این وجوه در بیان فکر ادیب و معنای متن، بیان کند. البته، استاد باید این مباحث را در حد نیاز دانشجو بیان کند تا احساس دلزدگی و

بی میلی در وی به وجود نیاید. او مختار است که این فرآیند را پس از پایان شرح معنایی هر بخش از متن و یا پایان کل متن انجام دهد (رکابی، ۱۹۸۶: ۱۸۱).

مدرّس علاوه بر نکات زیبایی‌شناسی بر اساس بلاغت قدیم عربی، باید به برخی نکات زیبایی‌شناسی متن *نهج‌البلاغه* بر اساس نقد ادبی جدید همچون تحلیل ویژگی‌های فنی (مثل عاطفه و خیال)، تحلیل میزان هم‌خوانی الفاظ با معنی، تحلیل میزان هماهنگی موسیقی الفاظ با سیاق لفظی و معنوی الفاظ و میزان مطابقت این موسیقی با مضمون متن، تحلیل تصویرگری‌های ادیبانه و میزان هم‌خوانی آن‌ها با معانی متن و سایر مسائل مربوط به زیبایی‌های متن *نهج‌البلاغه* اشاره کند (علیان، ۱۹۹۵: ۸۲).

۵،۶،۲ تحلیل ویژگی‌های سبکی متن *نهج‌البلاغه*

یکی دیگر از موارد بسیار مهمی که مدرّس باید در تدریس *نهج‌البلاغه* به آن توجه کند، بیان ویژگی‌های سبکی متن *نهج‌البلاغه* است. منظور از سبک، ویژگی‌هایی است که بیان ادیب را از بیان دیگر ادبا متمایز می‌کند (عیاد، بی تا: ۱۳۵-۱۵۰). در واقع، زبان ادبی هر ادیب نسبت به ادبای دیگر دارای برجستگی‌ها و تفاوت‌هایی است که این برجستگی‌ها و تفاوت‌ها سبک ادبی او را تشکیل می‌دهند. سبک ادبی را می‌توان میان متنی از یک ادیب و دیگر متون او، یا بین متون ادبی یک ادیب و متون ادبی هم‌عصر او و یا میان سبک ادبی یک عصر و سبک ادبی عصر دیگر بررسی کرد (رزقه، ۲۰۰۲: ۳۳۳-۳۹۳).

بنابراین، مدرّس *نهج‌البلاغه* باید به تمامی ویژگی‌های ادبی شامل زبان امام(ع)، چگونگی چینش واژه‌ها و جملات، موسیقی، نکات ادبی و بلاغی، ویژگی‌های صرفی و نحوی و ... که زبان امام را نسبت به زبان ادبای دیگر متمایز می‌کند، توجه کند تا از این طریق تفاوت‌های سبکی متن *نهج‌البلاغه* با دیگر متون و با دیگر دوره‌ها برای دانشجویان تحلیل و مشخص گردد.

۳. توصیف داده‌های پژوهش

نویسندگان در این بخش به توصیف داده‌های به‌دست‌آمده از استادان و دانشجویان می‌پردازند.

۱،۳ توصیف داده‌های مربوط به استادان و دانشجویان

نگارندگان در این بخش نخست به توصیف کمیّت داده‌های مربوط به استادان و

دانشجویان در سه بخش (رشته‌های زبان و ادبیات عربی، علوم قرآن و حدیث، و درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه) می‌پردازند؛ سپس، مقادیر این داده‌ها را در قالب جدولی دوگانه طرح می‌کنند.

۲,۳ توصیف داده‌های مربوط به درس نهج البلاغه در رشته زبان و ادبیات عربی

متغیر اول: دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

عناصر معنایی دو گفتار این متغیر عبارت‌اند از: ۱. میزان اهمیت اطلاعات پیش‌زمینه‌ای؛ ۲. معرفی امام علی (ع)، ویژگی‌های ادبی وی و همچنین ذکر مناسبت متن. داده‌های مربوط به این متغیر نشان‌داد که ۶۲/۵ استادان در حد زیاد و ۳۷/۵ در حد متوسط، به اجرای راهبرد دادن اطلاعات پیش‌زمینه به دانشجویان معتقد بودند. در مقابل، ۵۲/۵ دانشجویان در حد زیاد، ۳۳/۳۵ در حد متوسط و ۱۴/۳ در حد کم، استادان خویش را در اجرای این راهبرد موفق دانسته‌اند.

جدول ۲. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|------|-------|------|-----------|
| ٪۱۰۰ | ۶۲/۵ | ۳۷/۵ | ٪۰ | استادان |
| ٪۱۰۰ | ۵۲/۵ | ۳۳/۳۵ | ۱۴/۳ | دانشجویان |

متغیر دوم: صحیح‌خوانی نهج البلاغه

عناصر معنایی شش گفتار این متغیر عبارت‌اند از: ۱. بلند خواندن متن نهج البلاغه توسط استاد؛ ۲. رعایت علامات وقف و ترقیم در روخوانی نهج البلاغه توسط استاد؛ ۳. رعایت لهجه درست عربی توسط استاد؛ ۴. بلندخواندن نهج البلاغه توسط دانشجویان؛ ۵. رعایت علامات وقف و ترقیم در روخوانی نهج البلاغه توسط دانشجو؛ ۶. رعایت لهجه درست عربی توسط دانشجو.

داده‌های مربوط به این متغیر نیز ثابت می‌کند که ۶۲/۵ استادان در حد زیاد و ۳۷/۵ آنان در حد متوسط این راهکار را اجرا می‌کنند. در مقابل، ۴۰/۴۶ دانشجویان در حد زیاد، ۳۴/۹۵ در حد متوسط و ۲۴/۶۱ در حد کم به تأیید نظرهای استادان خویش برآمدند.

جدول ۳. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد صحیح خوانی نهج البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|-------|-------|-------|-----------|
| %۱۰۰ | ۶۲/۵ | ۳۷/۵ | %۰ | استادان |
| %۱۰۰ | ۴۰/۴۶ | ۳۴/۹۵ | ۲۴/۶۱ | دانشجویان |

متغیر سوم: شرح تفصیلی متن نهج البلاغه

عناصر معنایی هشت گفتار این متغیر عبارت‌اند از: ۱. ترجمه واژگان و بیان مترادفات آن توسط استادان؛ ۲. بیان نکات صرفی و نحوی موجود در متن نهج البلاغه؛ ۳. بیان ارتباط میان نکات صرفی، نحوی با معنا و مفهوم متن نهج البلاغه؛ ۴. بیان افکار اصلی و فرعی متن نهج البلاغه؛ ۵. بیان مضمون و یا اندیشه اصلی متن نهج البلاغه در یک عبارت؛ ۶. بیان ارتباط میان افکار فرعی متن نهج البلاغه با یکدیگر و با فکر اصلی متن؛ ۷. بیان ارزش‌های اخلاقی، تربیتی موجود در متن نهج البلاغه در یک جمله؛ ۸. توجه به چشم‌خوانی (آهسته‌خوانی) متن نهج البلاغه.

۴۳/۷۵ استادان در حد زیاد و ۴۰/۶۲۵ در حد متوسط و ۱۵/۶۲۵ در حد کم معتقد به اجرای این راهبرد بودند. در مقابل ۳۰/۹۶ دانشجویان در حد کم و ۳۵/۷۲ در حد متوسط و ۳۳/۵۸ در حد زیاد، استادان خود را در اجرای این راهبرد موفق دانسته‌اند.

جدول ۴. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد شرح تفصیلی متن نهج البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|-------|--------|--------|-----------|
| %۱۰۰ | ۴۳/۷۵ | ۴۰/۶۲۵ | ۱۵/۶۲۵ | استادان |
| %۱۰۰ | ۳۳/۵۸ | ۳۵/۷۲ | ۳۰/۹۶ | دانشجویان |

متغیر چهارم: بیان مسائل زیبایی‌شناسانه نهج البلاغه

عناصر معنایی سه گفتار این متغیر عبارت‌اند از: ۱. بیان مسائل بلاغی (معانی، بیان و بدیع) موجود در متن نهج البلاغه؛ ۲. بیان ارتباط بین موسیقی خارجی و داخلی متن نهج البلاغه (وزن، سجع، جناس) (موسیقی حروف مثل تکرار حروف) با معنی و مفهوم کلی حاکم بر آن متن؛ ۳. استخراج تصاویر ادبی موجود در متن نهج البلاغه و رابطه میان آنها با معانی آن متن. مجموع داده‌های این متغیر ثابت کرد که ۵۸/۳۳ استادان در حد کم و ۴۱/۶۶ آنان در حد متوسط معتقد به اجرای این راهبرد بودند. در مقابل، ۶۸/۲۶ دانشجویان در حد کم و ۲۵/۳۶ در حد متوسط و ۶/۳۶ در حد زیاد معتقد به اجرای این راهبرد توسط استادان خویش بودند.

جدول ۵. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد بیان مسائلی زیبایی‌شناسانه نهج البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|------|-------|-------|-----------|
| %۱۰۰ | %۰ | ۴۱/۶۶ | ۵۸/۳۳ | استادان |
| %۱۰۰ | ۶۳/۶ | ۲۵/۳۶ | ۶۸/۲۶ | دانشجویان |

متغیر پنجم: بیان ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه

عناصر معنایی سه گفتار این متغیر عبارت‌اند از: ۱. بیان ویژگی‌های سبکی مشترک بین متن نهج البلاغه و سبک آن دوره؛ ۲. بیان ویژگی‌های مشترک سبکی بین متن نهج البلاغه و دیگر آثار امام علی (ع)؛ ۳. بیان ویژگی‌های خاص و سبک ادبی امام علی (ع).

از داده‌های این متغیر برمی‌آید که ۵۸/۳۳ استادان در حد کم و ۴۱/۶۶ آنان در حد متوسط این راهبرد را اجرا کرده‌اند. در مقابل، دانشجویان نیز در تأیید نظرهای استادان خویش، ۷۴/۶۳ در حد کم و ۱۵/۹ در حد متوسط و ۹/۵۳ در حد زیاد معتقد بودند که استادان آن‌ها از این راهبرد استفاده می‌کنند.

جدول ۶. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد بیان ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|------|-------|-------|-----------|
| %۱۰۰ | %۰ | ۴۱/۶۶ | ۵۸/۳۳ | استادان |
| %۱۰۰ | ۹/۵۳ | ۱۵/۹ | ۷۴/۶۳ | دانشجویان |

۳،۳ توصیف داده‌های مربوط به درس نهج البلاغه در رشته علوم قرآن و حدیث

تمامی گفتارهای این متغیرها نیز مشابه گفتارهای مربوط به درس نهج البلاغه در رشته زبان و ادبیات عربی است.

متغیر اول: اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

داده‌های این متغیر ثابت می‌کند که ۷۵٪ درصد استادان در حد زیاد و ۲۵٪ آنان در حد متوسط معتقد به اجرای این راهبرد بودند. دانشجویان نیز در این متغیر ۱۰٪ در حد کم، ۶۳/۳ در حد متوسط و ۲۶/۶۵ در حد زیاد معتقد به اجرای این راهبرد توسط استادان خویش بودند.

جدول ۷. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|-------|-------|-----|-----------|
| %۱۰۰ | %۷۵ | %۲۵ | %۰ | استادان |
| %۱۰۰ | ۲۶/۶۵ | ۶۳/۳ | %۱۰ | دانشجویان |

متغیر دوم: صحیح‌خوانی نهج‌البلاغه

این متغیر نیز ثابت می‌کند که ۵۴/۱۶ استادان در حد متوسط و ۴۱/۶۶ در حد کم و ۴/۱۶ آنان در حد زیاد معتقد به اجرای این راهبرد بودند. در مقابل، ۲۳/۳۳ دانشجویان در حد کم، ۴۱/۱ در حد متوسط و ۳۵/۵۶ در حد زیاد استادان خویش را اجراکننده این راهبرد دانسته‌اند.

جدول ۸. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد صحیح‌خوانی نهج‌البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|-------|-------|-------|-----------|
| %۱۰۰ | ۴/۱۶ | ۵۴/۱۶ | ۴۱/۶۶ | استادان |
| %۱۰۰ | ۳۵/۵۶ | ۴۱/۱ | ۲۳/۳۳ | دانشجویان |

متغیر سوم: شرح تفصیلی متن نهج‌البلاغه

مجموع داده‌های این متغیر نشان می‌دهد که ۴۶/۸۷۵ استادان در حد زیاد و ۴۳/۷۵ در حد متوسط و ۹/۳۷۵ آنان در حد کم این راهبرد را اجرا کرده‌اند. این در حالی است که ۴۲/۰۷۵ دانشجویان در حد کم، ۴۶/۲۶ در حد متوسط و ۱۱/۶۵ آنان در حد زیاد معتقد به اجرای این راهبرد توسط استادان خود بوده‌اند.

جدول ۹. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد شرح تفصیلی متن نهج‌البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|--------|-------|--------|-----------|
| %۱۰۰ | ۴۶/۸۷۵ | ۴۳/۷۵ | ۹/۳۷۵ | استادان |
| %۱۰۰ | ۱۱/۶۵ | ۴۶/۲۶ | ۴۲/۰۷۵ | دانشجویان |

متغیر چهارم: بیان مسائل زیبایی‌شناسانه نهج‌البلاغه

بر اساس داده‌های این متغیر، ۷۵٪ درصد استادان در حد کم و ۲۵٪ آنان در حد متوسط معتقد به اجرای این راهبرد بودند. در مقابل، ۹۱/۱ دانشجویان در حد کم و ۸/۹ آنان در حد متوسط، استادان خود را اجراکننده این راهبرد دانسته‌اند.

جدول ۱۰. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد بیان مسائلی شناسانه نهج البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|------|-------|------|-----------|
| %۱۰۰ | %۰ | %۲۵ | %۷۵ | استادان |
| %۱۰۰ | %۰ | ۸/۹ | ۹۱/۱ | دانشجویان |

متغیر پنجم: بیان ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه

داده‌های این متغیر نشان می‌دهد که ۹۱/۶۶ استادان در حد کم و ۸/۳۳ آنان در حد متوسط این راهبرد را اجرا کرده‌اند. این در حالی است که ۸۵/۵۶ دانشجویان در حد کم و ۱۳/۳۳ در حد متوسط و ۱/۱ آنان در حد زیاد معتقد به اجرای این راهبرد توسط استادان خویش بوده‌اند.

جدول ۱۱. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد بیان ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|------|-------|-------|-----------|
| %۱۰۰ | %۰ | ۸/۳۳ | ۹۱/۶۶ | استادان |
| %۱۰۰ | ۱/۱ | ۱۳/۳۳ | ۸۵/۵۶ | دانشجویان |

۴,۳ توصیف داده‌های مربوط به درس نهج البلاغه در قالب دروس عمومی

تمامی گفتارهای این متغیرها نیز مشابه گفتارهای مربوط به درس نهج البلاغه در رشته زبان و ادبیات عربی است.

متغیر اول: اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

داده‌های مربوط به این متغیر نشان داد که ۷۵٪ استادان در حد زیاد و ۲۵٪ آنان در حد متوسط این راهبرد را اجرا کرده‌اند. ۲۲/۵ دانشجویان نیز در حد کم، ۶۰٪ در حد متوسط و ۱۷/۵ آنان در حد زیاد معتقدند که استادان آن‌ها این راهبر را اجرا کرده‌اند.

جدول ۱۲. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|------|-------|------|-----------|
| %۱۰۰ | %۷۵ | %۲۵ | %۰ | استادان |
| %۱۰۰ | ۱۷/۵ | %۶۰ | ۲۲/۵ | دانشجویان |

متغیر دوم: صحیح خوانی متن نهج البلاغه

داده‌های این متغیر ثابت می‌کند که ۶۶/۶۶ استادان در حد متوسط و ۳۳/۳۳ آنان در حد کم معتقد به اجرای این راهبرد بوده‌اند. در مقابل، ۵۲/۵ دانشجویان در حد کم، ۴۴/۱۶ در حد متوسط و ۳/۳۳ آنان در حد زیاد استادان خویش را در اجرای این راهبرد موفق دانسته‌اند.

جدول ۱۳. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد صحیح خوانی متن نهج البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|------|-------|-------|-----------|
| ٪۱۰۰ | ٪۰ | ۶۶/۶۶ | ۳۳/۳۳ | استادان |
| ٪۱۰۰ | ۳/۳۳ | ۴۴/۱۶ | ۵۲/۵ | دانشجویان |

متغیر سوم: شرح تفصیلی نهج البلاغه

۷۵/۴۳ استادان در حد متوسط و ۳۷/۵ در حد کم و ۱۸/۷۵ آنان در حد زیاد بر اجرای این راهبرد معتقد بودند، اما ۶۸/۱۲ دانشجویان در حد کم و ۳۸/۷۵ در حد متوسط و ۵/۶۲ در حد زیاد بر اجرای این راهبرد توسط استادان خویش معتقد بودند.

جدول ۱۴. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد شرح تفصیلی متن نهج البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|-------|-------|-------|-----------|
| ٪۱۰۰ | ۱۸/۷۵ | ۷۵/۴۳ | ۳۷/۵ | استادان |
| ٪۱۰۰ | ۵/۶۲ | ۳۸/۷۵ | ۶۸/۱۲ | دانشجویان |

متغیر چهارم: بیان مسائل زیبایی‌شناسانه نهج البلاغه

از مجموع داده‌های این متغیر برمی‌آید که ۶۶/۶۶ استادان در حد کم و ۳۳/۳۳ آنان در حد متوسط این راهبرد را اجرا کرده‌اند. در مقابل، داده‌های دانشجویان نشان داد که ۹۵٪ آنان در حد کم و ۵٪ آنان در حد متوسط معتقد به اجرای این راهبرد توسط استادان بودند.

جدول ۱۵. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد بیان مسائل زیبایی‌شناسانه نهج البلاغه

| مجموع | زیاد | متوسط | کم | |
|-------|------|-------|-------|-----------|
| ٪۱۰۰ | ٪۰ | ۳۳/۳۳ | ۶۶/۶۶ | استادان |
| ٪۱۰۰ | ٪۰ | ٪۰ | ٪۹۵ | دانشجویان |

۷۰ آموزش نهج البلاغه در دانشگاه‌ها و ارائه راهکاری مناسب ...

متغیر پنجم: بیان ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه

داده‌های این متغیر نیز ثابت می‌کند که ۶۶/۶۶ استادان در حد کم و ۳۳/۳۳ آنان در حد متوسط معتقد به اجرای این راهبرد بوده‌اند. این در حالی است که ۷۸/۳۳ دانشجویان نیز در حد کم، ۱۸/۳۳ در حد متوسط و ۳۳/۳ در حد زیاد، استادان خویش را در اجرای این راهبرد موفق دانسته‌اند.

جدول ۱۶. میزان نظرهای استادان و دانشجویان در مورد بیان ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه

| | کم | متوسط | زیاد | مجموع |
|-----------|-------|-------|------|-------|
| استادان | ۶۶/۶۶ | ۳۳/۳۳ | ٪۰ | ٪۱۰۰ |
| دانشجویان | ۷۸/۳۳ | ۱۸/۳۳ | ۳/۳۳ | ٪۱۰۰ |

۴. تحلیل و تفسیر داده‌های پژوهش

متغیر اول: دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

با توجه به توصیف داده‌های به‌دست‌آمده از استادان و دانشجویان، مشخص شد که ۶۲/۵ درصد استادان گروه زبان و ادبیات عربی، ۷۵٪ درصد آنان در گروه علوم قرآن و حدیث و ۷۵٪ درصد آنان در درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه در حد زیاد، معتقد به اجرای این راهبرد بودند. در مقابل، ۵۲/۵ درصد دانشجویان گروه زبان و ادبیات عربی در حد زیاد، و ۶۳/۳ درصد دانشجویان گروه علوم قرآن و حدیث در حد متوسط و ۶۰٪ درصد آنان در درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه در حد متوسط، استادان خود را مجری این راهبرد دانستند. آنچه پیداست، اجرای حد بالای این راهبرد در گروه زبان و ادبیات عربی و اجرای حد متوسطی آن در رشته علوم قرآن و حدیث و درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه است. این بدین معناست که استادان سه گروه، دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای را به عنوان یکی از ارکان اصلی و تأثیرگذار تدریس پذیرفته‌اند.

متغیر دوم: صحیح خوانی متن نهج البلاغه

توصیف داده‌های این متغیر گویای آن است که بیشتر استادان گروه زبان و ادبیات عربی (۶۲/۵ در حد زیاد و ۳۷/۵ در حد متوسط) معتقد به اجرای این راهبرد بودند. اما، استادان گروه علوم قرآن و حدیث در حد متوسط و کم (۵۴/۱۶ در حد متوسط و ۴۱/۶۶ در حد

کم)، معتقد به اجرای این راهبرد بودند. همچنین، استادان درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه در حد متوسط و کم (۶۶/۶۶ در حد متوسط و ۳۳/۳۳ آنان در حد کم) معتقد به اجرای این راهبرد بودند. دانشجویان نیز نظر استادان را تأیید کردند؛ دانشجویان گروه زبان و ادبیات عربی (۴۰/۴۶ در حد زیاد، ۳۴/۹۵ در حد متوسط) تقریباً استادان خود را در اجرای این راهبرد موفق معرفی کردند، ولی دانشجویان گروه علوم قرآن و حدیث (۲۳/۳۳ در حد کم، ۴۱/۱ در حد متوسط) و درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه (۵۲/۵ دانشجویان در حد کم، ۴۴/۱۶ در حد متوسط) نیز، استادان خود را در اجرای این راهبرد موفق ندانستند. نخستین نکته مورد توجه در این متغیر آن است که استادان و دانشجویان گروه زبان و ادبیات عربی هر دو به اجرای این راهبرد باور داشتند، ولی در مقابل، استادان گروه علوم قرآن و حدیث و درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر عدم اجرای مناسب این راهبرد معتقد بودند. همچنین، دانشجویان این دو درس، گواه و مؤید این سخن بر آمدند. شاید بتوان یکی از دلایل توجه بیشتر به این راهبرد در گروه زبان و ادبیات عربی را تخصصی بودن این درس برای این گروه دانست و کم‌اجرا شدنش را در گروه علوم قرآن و حدیث و درس تفسیر نهج البلاغه، غیرتخصصی بودنش دانست که این نکته نیز با تحقق اهداف این درس مناسب نیست.

متغیر سوم: شرح تفصیلی متن نهج البلاغه

از توصیف داده‌های این متغیر می‌توان دریافت که استادان زبان و ادبیات عربی خود را تا حد متوسطی مجری این راهبرد (۴۳/۷۵ در حد زیاد و ۴۰/۶۲۵ در حد متوسط و ۱۵/۶۲۵ در حد کم) دانسته‌اند و دانشجویان نیز با اختلافی بسیار کم (۳۰/۹۶ در حد کم و ۳۵/۷۲ در حد متوسط و ۳۳/۵۸ در حد زیاد) نظر استادان خود را تأیید کردند. از سوی دیگر، استادان گروه علوم قرآن و حدیث نیز در حد بالایی (۴۶/۸۷۵ در حد زیاد و ۴۳/۷۵ در حد متوسط و ۹/۳۷۵ آنان در حد کم) معتقد به اجرای این راهبرد بودند. اما، دانشجویان این گروه (۴۲/۰۷۵ در حد کم، ۴۶/۲۶ در حد متوسط و ۱۱/۶۵ آنان در حد زیاد) استادان خود را در اجرای این راهبرد چندان موفق معرفی نکردند. و در نهایت، استادان درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه، خود را در اجرای این راهبرد نیز چندان موفق نیافتند (۷۵/۴۳ در حد متوسط و ۳۷/۵ در حد کم و ۱۸/۷۵ در حد زیاد) و دانشجویان نیز (۶۸/۱۲ در حد کم و ۳۸/۷۵ در حد متوسط و ۵/۶۲ در حد زیاد) به تأیید عدم اجرای موفق این راهبرد نظر دادند.

از این رو، در اینجا اختلاف بین نظرهای استادان و دانشجویان گروه زبان و ادبیات عربی با استادان و دانشجویان دو گروه علوم قرآن و حدیث و درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه به خوبی قابل ملاحظه است. شاید بتوان دلیل این امر را در این دانست که بخشی از رسالت گروه زبان و ادبیات عربی آشنایی با متون ادبی عربی، ترجمه و شرح آنهاست و یا به اعتباری اهداف تصویب شده را برای این رشته که همان ترجمه، شرح و تفسیر متون ادبی است، دلیل اصلی دانست. اما، علت کم توجهی به این راهبرد را در گروه علوم قرآن و حدیث و درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه می توان ناشی از شیوه‌های تدریس استادان نیز دانست؛ بدین گونه که استادان برای اجرای این راهبرد به ترجمه تحت‌اللفظی واژگان، بیان مترادفات و استخراج افکار اصلی و فرعی متن کمتر توجه دارند و به بیان آموزه‌های موجود در متن مورد نظر توجه بیشتری می کنند.

متغیر چهارم: بیان مسائل زیبایی شناسانه نهج البلاغه

توصیف داده‌های این متغیر در سه گروه، نتیجه‌ای مبنی بر نقض اجرای این راهبرد را نشان می‌دهد. در گروه زبان و ادبیات عربی، استادان و دانشجویان هر دو به اجرای نامناسب این راهبرد صحنه گذاردند: (۵۸/۳۳) استادان در حد کم و ۴۱/۶۶ در حد متوسط) و (۶۸/۲۶) دانشجویان در حد کم و ۲۵/۳۶ در حد متوسط و ۶۳/۶ در حد زیاد). در گروه علوم قرآن و حدیث نیز آمار حاکی از عدم اجرای مناسب این راهبرد است: (۷۵٪ استادان در حد کم و ۲۵٪ آنان در حد متوسط) و (۹۱/۱) دانشجویان در حد کم و ۸/۹ آنان در حد متوسط). درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه نیز بدین ترتیب بود: (۶۶/۶۶) استادان در حد کم و ۳۳/۳۳ آنان در حد متوسط) و (۹۵٪ دانشجویان در حد کم و ۵٪ آنان در حد متوسط). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بیان مسائل زیبایی شناسانه نهج البلاغه که نقش مؤثری در افزایش ذوق ادبی دانشجویان دارد، کاملاً فراموش شده است. نکته مهم‌تر و قابل توجه‌تر اینکه این راهبرد در گروه زبان و ادبیات عربی که یکی از مهم‌ترین اهداف آن آموزش متون ادبی و دریافت مسائل زیبایی شناسانه آن هست نیز مغفول مانده است.

متغیر پنجم: بیان ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه

توصیف داده‌های این متغیر نیز مثل متغیر چهارم مؤید بر عدم اجرای این راهبرد در هر سه گروه بود؛ به طوری که استادان گروه اول تا حد زیر متوسط و کم (۵۸/۳۳) استادان در حد

کم و ۴۱/۶۶ آنان در حد متوسط) معتقد به اجرا بودند و دانشجویان نیز در حد بسیار کمی (۷۴/۶۳ دانشجویان در حد کم و ۱۵/۹ در حد متوسط و ۹/۵۳ در حد زیاد) معتقد به اجرای این راهبرد توسط استادان خویش بودند. در گروه علوم قرآن و حدیث، استادان و دانشجویان در تأیید رأی همدیگر برآمدند و به اجرای کم این راهبرد معتقد بودند: (۹۱/۶۶ استادان در حد کم و ۸/۳۳ آنان در حد متوسط) و (۸۵/۵۶ دانشجویان در حد کم و ۱۳/۳۳ در حد متوسط و ۱/۱ آنان در حد زیاد). استادان و دانشجویان درس تفسیر موضوعی *نهج البلاغه* نیز بر اجرای ناموفق این راهبرد صحنه گذاردند: (۶۶/۶۶ استادان در حد کم و ۳۳/۳۳ آنان در حد متوسط) و (۷۸/۳۳ دانشجویان در حد کم، ۱۸/۳۳ در حد متوسط و ۳/۳۳ در حد زیاد). با این آمار شاید بتوان به یقین گفت که هر سه گروه، ادبیت متن *نهج البلاغه* را فراموش کرده و به بیان آموزه‌های موجود در متن *نهج البلاغه* اکتفا کرده باشند.

۵. نتیجه گیری

با توجه به توصیف و تحلیل داده‌های پژوهش، نتایجی به دست آمد که تأیید فرضیات پژوهش را به خوبی نشان می‌دهد:

۱،۵ بررسی فرضیه نخست پژوهش

با بررسی مجموع پنج متغیر، بخشی از این فرضیه تأیید و بخشی نیز رد شد؛ بدین ترتیب که استادان این گروه بر آن بودند که راهبرد مربوط به دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و صحیح‌خوانی را تا حد مناسبی اجرا کرده‌اند و راهبردهای مربوط به شرح تفصیلی، زیبایی‌شناسی و بیان ویژگی‌های سبکی *نهج البلاغه* را به خوبی اجرا نکرده‌اند.

۲،۵ بررسی فرضیه دوم پژوهش

با بررسی مجموع پنج متغیر، فقط دو بخش از فرضیه که مربوط به راهکار دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و صحیح‌خوانی بود، رد شد؛ بدین ترتیب که استادان این گروه به اجرای راهبرد دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و صحیح‌خوانی و شرح تفصیلی در حد متوسط به بالا معتقد بودند، اما در مورد راهبردهای مربوط به بیان مسائل زیبایی‌شناسانه و ویژگی‌های سبکی *نهج البلاغه* توجه چندانی نداشته‌اند.

۳,۵ بررسی فرضیه سوم پژوهش

در مورد این فرضیه نیز دو بخش اول رد شد و سه بخش پایانی مورد تأیید قرار گرفت؛ بدین ترتیب که استادان درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه، به اجرای راهبرد دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای در حد متوسط به بالا و راهبرد صحیح‌خوانی نهج البلاغه در حد متوسط به پایین معتقد بودند، ولی در مورد اجرای راهبردهای مربوط به شرح تفصیلی، بیان مسائل زیبایی‌شناسانه و ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه چندان موفق نبوده‌اند.

۴,۵ بررسی فرضیه چهارم پژوهش

دانشجویان گروه زبان و ادبیات عربی در حد بسیار معتقد به اجرای دو راهبرد دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و صحیح‌خوانی توسط استادان خویش بودند. دانشجویان گروه علوم قرآن و حدیث و درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه نیز در حد متوسط معتقد به اجرای این دو راهبرد توسط استادان خود بودند.

اما، در مورد سه راهبرد شرح تفصیلی، بیان مسائل زیبایی‌شناسانه و ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه، دانشجویان سه گروه به اجرای ضعیف این راهبردها توسط استادان خویش معتقد بودند؛ بدین ترتیب، بخش نخست فرضیه که مربوط به اجرای راهبردهای دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و صحیح‌خوانی متن نهج البلاغه بود و بخش دوم که مربوط به عدم اجرای سه راهبرد شرح تفصیلی، بیان مسائل زیبایی‌شناسانه و ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه بود، تأیید شدند.

در پایان، راهکار پیشنهادی این مقاله برای آموزش نهج البلاغه در دانشگاه‌ها بسته به عملکرد شایسته سه بخش مهم آموزشی یعنی طراحان سرفصل، مؤلفان کتب درسی و استادان قابل طرح است که در ذیل به چگونگی نقش آن‌ها اشاره می‌شود:

نخست: شایسته است طراحان سرفصل درس نهج البلاغه در هر سه گروه یادشده (گروه معارف، زبان و ادبیات عربی، علوم قرآن و حدیث) سرفصل را مطابق با اهداف علمی و راهبردهای تدریسی که در این مقاله به آن‌ها اشاره شد، طراحی کنند.

دوم: شایسته است مؤلفان کتاب درسی نهج البلاغه نیز کتاب‌ها را بر اساس این راهبردها که خود به نوعی هدف درس نهج البلاغه هستند، تنظیم و تألیف کنند.

سوم: استادان محترم در هر سه گروه باید توجه کنند که راهکارهای تدریسی خود را مطابق با این راهبردهای تدریسی یادشده تنظیم کنند و بر اساس آن‌ها به تدریس این درس بپردازند.

بنابراین، از طریق اجرای درست عملکرد مناسب این سه بخش (طراحان سرفصل، مؤلفان کتب درسی، استادان) راهکار تدریسی درس *نهج البلاغه* در دانشگاه‌ها محقق می‌گردد.

۶. پیشنهادهای پژوهش

مهم‌ترین مشکل آموزش *نهج البلاغه* در دانشگاه‌های تهران، نبود رشته‌ای مجزا و خاص در مقطع کارشناسی است؛ از این رو، در نظر گرفتن رشته‌ای مجزا برای این کتاب عظیم‌الشان می‌تواند گامی بزرگ در جهت تحقق تمامی اهداف موجود در این کتاب باشد.

یکی دیگر از مشکلات، نبود کتاب آموزشی و دانشگاهی مناسب برای تدریس *نهج البلاغه* است. وجود کتابی که شامل تمامی اهداف مورد انتظار کتاب *نهج البلاغه* باشد، می‌تواند در امر آموزش این کتاب بسیار مؤثر واقع گردد.

اجباری شدن واحدهای درسی عمومی *نهج البلاغه* در دانشگاه‌ها می‌تواند در پیشبرد و تحقق اهداف این کتاب مؤثر باشد. در نظر گرفتن واحدهای بیشتر برای این درس در رشته‌های زبان و ادبیات عربی و علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی نیز می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

پی‌نوشت

۱. محققان برای محاسبه حجم نمونه به روش‌های مختلفی روی می‌آورند. یکی از این فنون، استفاده از روش مورگان است. در مواردی که واریانس جامعه یا درصد مورد نیاز را در اختیار نداشته باشید، می‌توانید بر اساس جدولی که مورگان نام دارد، حجم نمونه خود را انتخاب کنید.

منابع

- أحمد السيد، محمود (۱۹۸۰). *الموجز فی طرق تدریس اللغه العربیة، الطبعة الأولى*، بیروت: دارالعودة.
- احمدزاده، سید مصطفی (بی‌تا). «نقد و بررسی برنامه و متون آموزشی تفسیر در دانشگاه‌ها»، *مجله پژوهش‌های قرآنی*، ش ۴۶-۴۷.
- پیرزوفر، سهیلا؛ زهرا سیدزاده؛ مهتاب محمدآبادی (۱۳۹۰). «مهارت‌های ارتباطی در *نهج البلاغه*»، *فصلنامه حدیث‌اندیشه*، نیم‌سال‌نامه پژوهشی-اطلاعرسانی، ش ۱۰-۱۱.
- جوینی، خمیس (۲۰۰۵). «استراتیجیات الإستنتاج و الإستدلال فی القراءة و فهم النصوص»، *مجله جامعة الملك سعود*، العدد ۱۸.

- رزقه، يوسف (۲۰۰۲). «مقاربة أسلوبية لشعر عز الدين المناصرة (ديوان جفار نموذجاً)»، مجلة الجامعة الإسلامية، المجلد العاشر، العدد الثاني.
- ركابي، جودت (۱۹۸۶). طرق تدريس اللغة العربية، الطبعة الثانية، دمشق: دار الفكر للطباعة و التوزيع و النشر.
- شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم (۱۳۸۹). سرفصل بازنگري شده رشته زبان و ادبيات عربي در دانشگاهها.
- صمدانيان، محسن؛ و فردوس ميريان (۱۳۹۰). «علل ناهنجاری و روش کنترل آن از دیدگاه نهج البلاغه»، دوفصلنامه حديث پژوهی، س ۳، ش ۵.
- الضبي، محمد (۲۰۰۶). المناهج التعليمية صنعيتها و تقويمها، ط ۱، القاهرة: مكتبة الأنجلو المصرية.
- عاشور، قاسم و الحوامدة (۲۰۰۹). فنون اللغة العربية و أساليب تدريسها بين النظرية و التطبيق، إربد: عالم الكتب الحديث للنشر و التوزيع.
- عبدالمير، طباحه (۲۰۰۷). منهجية البحث تقنيات و مناهج، الطبعة الأولى، بيروت: دارالهادی.
- عبدالباری، ماهر شعبان (۲۰۱۰). استراتيجيات فهم المقروء أسسها النظرية و تطبيقاتها العملية، الطبعة الأولى، عمان: دار المسيرة.
- عليان، ايمان أحمد محمد (۱۹۹۵). قياس مدى تمكن الطلاب اللغة العربية بكليات التربية من الدراسات الأدبية، رسالة ماجستير، جامعة القاهرة.
- عمار، سام (۲۰۰۲). اتجاهات حديثة في تدريس اللغة العربية، بيروت: مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزيع.
- عياد، شكري (لا.تا). «قراءة أسلوبية لشعر حافظ»، مجلة الفصول، المجلد الثالث، العدد الثاني، ۱۳ و ۱۴.
- فلاح (۱۹۹۶). اساليب تدريس اللغة العربية، لا.م: منشورات جامعة القدس المفتوحة.
- قدری لطفی، محمد (۱۹۷۰). التأخر في القراءة، القاهرة: مكتبة مصر.
- متقي زاده، عيسى و ديگران (۱۳۹۱). «بررسی و نقد میزان اجرای راهبردهای تدريس متون شعری در دوره کارشناسی رشته زبان و ادبيات عربي»، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبيات تطبیقی، دوره ۳، ش ۱.

- Doolittle; Peter E; David Hicks; Cheri F Triplett; Nichols Dee; William and Carl A Young (2006). "Reciprocal Teaching for Fostering the Deeper Understanding of Texts", *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, Vol.17, No.2.
- Gllant, Ruth (1978). *Handbook in Corrective Reading: Basic Tasks*, 2nd Edition, Columbus: Charles E. Merriall Publishing Company.
- Goodman, K. (1994). *Reading, Writing and Written Texts: a Transactional Sociopsycholinguistic View*, In R, Ruddell and M. Rudde I (Eds), *Theoretical Models and Process of Reading*, 4th Edition, Newark: DE: International Reading Associatio.
- Harris, Larry A.; and Carl B. Smith (1992). *Reading Instruction: Diagnostic, Teaching in the Classroom*, New York: Macmillan Publishing Company.